

تک برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر یکشنبه 27 مهر ماه 1382 - 19 اکتبر 2003 شماره 174

پرامون نظر خواهی تک برگی

دیدگاه یونس پارسا بناب

(نویسنده، استاد دانشگاه و از
فعالین اتحاد چپ ایرانیان - واشنگتن)

انتشار این دیدگاه لزوماً به معنای تأیید آن
از سوی نشریه نیست .

ملاحظات پرامون ماهیت "پروتکل الحاقی" برنامه تسلیمات اتمی ایران و سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه

1- فشار آژانس بین المللی انرژی اتمی" بر ایران که "پروتکل الحاقی" به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای را باید تا 30 اکتبر سال 2003 امضاء کند، در واقع فشار و اولتیماتوم غیر مستقیم از سوی جناح"نئو محافظه کاران" حاکم در رژیم بوش به ایران است. این فشار و اولتیماتوم بهیچ وجه با نیت ایجاد یک کشور و منطقه آزاد از سلاح های اتمی و شیمیائی و غیره نیست. دولت های حاکم در آمریکا- بویژه سردمداران جناح محافظه کاران جدید- از عوامل اصلی گسترش سلاح های هسته ای و شیمیائی در منطقه بزرگ خاور میانه - اقیانوس هند (اسرائیل، پاکستان و عراق و...) در طول پنجاه سال گذشته بوده اند. به نظرنگارنده فشار به ایران، مثل تمام ترفندهای رژیم بوش، بهانه ای دیگر برای رسیدن به هدف استراتژیکی دو مرحله ای آمریکا در جهان است. هدف استراتژیکی آمریکا در مرحله اول، ایجاد و استقرار هژمونی نفتی در جهان از طریق اشغال نظامی و یا به زیر قیمومیت کشیدن (تغییر رژیم) کشورهای نفت خیز عراق، ایران، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و

ادامه در صفحه 3

وی و واتاب آن در مقیاس جهانی نیست. در نظامی که حتی رئیس جمهورش علیرغم قول و قرارهای خود جرئت گزینش یک وزیر زن را ولو بصورت نمایشی هم که شده بخود راه نمی دهد و مناسبات دو جنس در آن رسماً و عملاً بر اساس آپارتاید بین دو مقوله رجال و نسوان استوار است و شخص شیرین عبادی از همان اوان انقلاب اسلامی با دیوار قطور آپارتاید جنسی مواجه شده و به جرم زن بودن نتوانست به شغل قضاوت بعنوان کار تخصصی خود که در انحصار مردان دینی است- بپردازد، درچنین وضعیتی وقتی او در مجامع جهانی بدون حجاب و بی اعتناء به بایدها و نبایدهای رژیم ظاهر می شود، در واقع خواسته و ناخواسته به نمادی از نافرمانی زن ایرانی تبدیل می گردد که وی را با جنبش زنان و مبارزه باحجاب بعنوان نمادی از سلطه تاریکی و با حرکت های نمادین و گستاخانه زناتی که در هر فرصتی که بر آمد جنبش فراهم می سازد، روسری از سر برمی گیرند و در امتداد تاریخ به قره العینی که ده ها سال پیش حجاب از چهره خویش بر گرفت، پیوند می دهد.

در وجه مبارزه ضداستبدادی و مبارزه برای دموکراسی بیلان شیرین عبادی حتی از مبارزه برای حقوق زنان نیز درخشان تر بوده و از وی چهره ای برجسته در مبارزه برای دموکراسی و علیه استبداد وجود آورده است:

بی گمان مبارزه او علیه سانسور بعنوان عضو کانون نویسندگان داخل کشور و مهم تر از آن بعنوان وکیل شجاع و آزادی خواهی که دفاع از پرونده های خطیری چون فرج سرکوهی، عباس معروفی، عزت ابراهیم نژاد، خانواده قربانیان قتل های زنجیره ای و وکیل مبارزی چون ناصر زرافشان و شمار دیگری از زندانیان سیاسی و اخیراً

ادامه در صفحه 2

برخی اطلاعات تاریخی و علمی در مورد انرژی هسته ای

در صفحه 5

جایزه صلح نوبل و بر آمد شور آفرین مردم ایران

t.roozbeh@freenet.de تقی روزبه

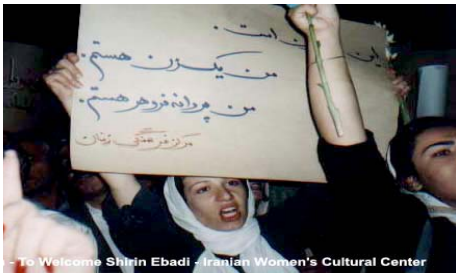


جایزه صلح نوبل به شهروندان کشورهای مختلف از دیر باز رسمی سالیانه و توجه برانگیز بوده است. باین همه بازتاب و پی آمدهای آن در تمامی زمان ها و همه کشورها بیک سان نبوده است. اعطای جایزه نوبل به شیرین عبادی، بنابدلایل متعدد و خود ویژه ای با پژواک عظیم داخلی و جهانی به مراتب نیرومندتری در مقایسه با موارد مشابه هم راه شده و بهمان اندازه دارای پی آمدهای مهمی است. نوشته حاضر کنکاشی است در توضیح این برآمد پرشور و اعتلایانده. شوری که به یک اندازه از ترکیب سه گانه و همزمان مبارزه میلیون ها زن ایرانی علیه ستم مضاعف جنسی و از جنبش مبارزه علیه استبداد و برای دموکراسی و بالاخره از حمایت جهانیان و حساسیت فوق العاده کشورهای غربی نسبت به تحولات سیاسی و اجتماعی کشورمان سرچشمه می گیرد.

از آن خود دانستن:

جانمایه واکنش زنان ایرانی و حتی فراتر از زنان را در قبال این رویداد می توان در این عبارت کوتاه ملاحظه کرد: "خیلی خوشحالم. انگار که خودم جایزه گرفتم". درنگ بر "انگار خودم جایزه گرفتم"، کلید گشایش رمز استقبال پرشور کلیه ایرانیانی است که از تعلق جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی بوجد آمده اند. آن چه که موجب چنین رستاخیز پرشوری شده است چیزی جز بازتاب فریاد مطالبات و رنج های فردفرد ایرانیان و بویژه زنان ایرانی در وجود یک زن و نمادی شدن

مخالفت با هر نوع دولت ایدئولوژیک با هر مرام و مسلکی، بطور اعم است. از همین رو باید گفت تا آنجاکه به زنان و مردم ایران برمی گردد، جایگاه نمادین شیرین عبادی نه بدلیل باورهای چون "عدم تناقض بین اسلام و حقوق بشر"، بلکه بدلیل مبارزات وی برای دفاع از حقوق زن و مبارزه برای دموکراسی و آزادی است. و درست بهمین دلیل شاهدیم که جمهوری اسلامی با تمام وجود خود از این واقعه خشمگین شده و حتی سخنگوی خاتمی ناچار می گردد از ناپرهیزی خود بدلیل "ابراز خوشنودی" نسبت به تعلق جایزه نوبل به خانم شیرین عبادی پشیمان شده و آن را نظر شخصی عنوان نماید و خاتمی که معمولاً فرصت ابراز وجود در این گونه موقعیت ها و حتی کم اهمیت تر از آن را از دست نمی دهد، از ابراز نظر در مورد این رویداد بزرگ بازمانده و به سکوت مرگ دچار شود. بعوض آن، او و دیگر دولتمردان جمهوری اسلامی در تلاشند تا دریابند که چگونه می توانند خود را با موقعیت جدید انطباق دهند.



کانونی شدن مبارزه حول حقوق بشر و از جمله حقوق زنان در یک نظام مبتنی بر آپارتایدها-آپارتاید سیاسی(مبتی بر شهروند درجه یک و درجه دو)، آپارتاید جنسی و آپارتاید قومی-مذهبی که جملگی از حق حاکمیت انحصاری برای کاست روحانیت شیعه و قوانین فقهی آن نشأت می گیرد، می تواند موجب اعتلای مبارزه برای دستیابی به حقوق زنان و

ادامه در صفحه 6



بنظر می رسد. زنان ایرانی بخوبی می دانند که حتی اگر بخواهند چون او (در عرصه جهانی) حجاب از چهره خویش بگیرند، نیازمند یک انقلاب برای برافکندن نظام حاکم هستند. می توان حول نظر شیرین عبادی مبنی بر عدم تناقض بین اسلام و دموکراسی نظر موافق و یا مخالف داشت. اما هر نظری که داشته باشیم، دو نکته را باید بیش از هر زمانی، آن هم درست در همین لحظاتی که جان های بسیاری بوجد در آمده اند، برجسته کرد:

اولاً صرف نظر از تفسیر و برداشت شخصی شیرین عبادی از اسلام، فقه و قوانین حقوقی متعلق به دین رسمی و مورد حمایت روحانیت حاکم- حتی در اصلاح طلبانه ترین روایت خود- میانه ای با حقوق زن و دموکراسی ندارد. و ثانیاً هر تفسیر ولو آزادی خواهانه از دین بطور اخص و هر مسلک و مرام بطور اعم، هر آینه اگر بخواهد با حکومت تلفیق شود، بطور اجتناب ناپذیر مولد بدترین نوع استبداد شده و چیزی جز تکرار فاجعه جمهوری اسلامی نخواهد بود. بنابراین لازم است از تداخل و التقاط بین تلاش برای ارائه تفسیر دموکراتیک از دین و اشاعه آن در پهنه فرهنگ اعتقادی مردم و باصطلاح پروتستانیزه کردن اسلام، با تلاش برای سرنگونی دولت دینی بعنوان یک نظام استبدادی اجتناب کرد. مسأله امروز مردم ایران نه جایگزین کردن یک تفسیر جدید از اسلام (بعنوان بخشی از تلاش های طبیعی و قابل فهم مسلمانان آزادیخواه برای سازش پذیر کردن اسلام با دموکراسی) به جای تفسیر کنونی حاکمین بر کشور، بلکه مبارزه برای جدائی دین و دولت بطور اخص و

جایزه صلح نوبل

تقی روزبه

ادامه از صفحه 1

زهره کاظمی را - بی اعتنا به انواع تهدیدات- بعهده داشته است، شایستگی تبدیل شدن به این نماد را به او ارزانی داشته است.

در کشور ما همانند شمار دیگری از کشورهای جهان سوم- افراد واجد صلاحیت در عرصه های ادبی و یا مبارزه برای دموکراسی و تأمین حقوق بشر کم نبوده و کم نیستند و این را نیز خوب می دانیم که در گزینش کاندیداهای جایزه نوبل، رویکردهای جهانی کشورهای بزرگ و از جمله کشورهای صاحب نفوذ اروپائی بی تأثیر نیستند. و بطور مشخص در رابطه با گزینش کاندید امسال، نقش ایران را بعنوان کشوری که اکنون بیش ترین حساسیت جهانی پس از جنگ عراق و افغانستان را نسبت به خود و سمت و سوی تحولات درونی خویش برانگیخته، نمیتوان نادیده گرفت. و در این میان بویژه کشورهای اروپائی اهداف خود و ارجله تقویت باور و امکان دموکراتیزه کردن اسلام و آشتی پذیری آن با ایده دموکراسی را بعنوان بخشی از سازوکار سیاست های کلان خود در برابر کشورهای اسلامی در مدنظر دارند. اما هیچ کدام از وجوه بین المللی مؤثر در گزینش کاندید جایزه صلح نوبل امسال باعث آن نمی شود که شایستگی های شیرین عبادی در به نمایش گذاشتن گوشه ای از شایستگی و پتانسیل نیرومند زنان ایرانی و جایگاه وی بعنوان یک مبارز شجاع در کارزار گسترده علیه استبداد حاکم را نادیده انگاریم.

شیرین عبادی از نظر بینشی همانطور که عملکرد و سخنانش گواهی می دهند یک زن مسلمان ولی کمابیش لائیک و در عین حال اصلاح باور و قانون گراست. و این البته در شرایطی که اصلاح گرایی با بن بست کامل مواجه شده و نافرمانی از قوانین و چه باید کردهای نظام حاکم، راهبرد اصلی مبارزات مردم علیه استبداد را تشکیل می دهد، آشکارا عقب مانده و ناکافی

ملاحظات پیرامون ماهیت "پروتکل الحاقی" برنامه تسلیحات اتمی ایران و سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه

یونس پارسا بناب

ادامه از صفحه 1

و در مرحله دوم، به زیر سلطه کشیدن آلمان و فرانسه و دیگر کشورهای "اروپای قدیم"، اخته کردن روسیه و هندوستان و و بالاخره محاصره ("تجدید") و جلو گیری از رشد چین میباشد.

2- نیروهای مترقی، برابری طلب، سوسیالیست ها و چپ های مارکسیست ایران در پروسه مبارزات خود علیه نظام حاکم در ایران در طول بیست و پنج سال گذشته کم و بیش به این نتیجه رسیده اند که رژیم جمهوری اسلامی سرمایه در کلیت خود حاکمیتی سفاک، ارتجاعی، ضد زن، ناقص حقوق بشر، ... و عامل باز دارنده ایجاد و استقرار نهادهای مردم سالار در جهت تامین رفاه و عزت انسانی به بشریت زحمتکش ایران (که نزدیک به 75 درصد جمعیت هفتاد میلیونی مردم ایران را تشکیل میدهند) میباشد. ولی این جمع بندی از عملکرد نظام جمهوری اسلامی، که به نظر من درست و دقیق و مناسب و عادلانه است، نباید نیت حرکت نظام جهانی سرمایه را، که میخواهد "کشور ایران" را از دسترسی به فن آوریهای پیشرفته علمی و فرهنگی در هر زمینه، منجمله در زمینه بهره گیری از تکنولوژی و فن آوری هسته ای، محروم و خلع سلاح سازد، مورد توجه قرار دهد.

3- "کشور ایران" (نه رژیم پهلوی و نه رژیم جمهوری اسلامی) یکی از اعضای اصلی تشکیل دهندگان سازمان ملل متحد در سالهای 1324-1323 خورشیدی بوده است

و مثل هر کشوری حق دارد به بهره گیری از فن آوریهای اتمی دست پیدا کرده و به پژوهش و تفحص در این زمینه بپردازد و نباید تابع و پیرو دیکته و "امر و نهی" نظام جهانی سرمایه (امپریالیسم)، که خواستش استقرار هژمونی در منطقه وسیع و نفت خیز خاورمیانه آسیای مرکزی است، باشد.

4- بررسی دقیق اوضاع جهان- تشدید جهانی شدن سرمایه، میلیتاریزه ساختن سیاست خارجی آمریکا، تنها ابر قدرت جهانی، حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق و ادامه و گسترش احتمالی آن به کشورهای سوریه، ایران و ... به روشنی نشان میدهد که هئیت حاکمه آمریکا (مدیر عامل نظام جهانی سرمایه) میخواهد یک اصل سیطره جویانه ای را بر اساس اینکه انحصار بمب اتمی باید در دست پاره ای از کشورهای جهان باشد که خود شان خود را (با عنایت و حمایت آمریکا) "متمدن"، "پیشرفته"، "مدرن" و "ضد تروریست" و میدانند. به نظر من نیروهای مترقی، دموکراتیک، برابری طلب و چپ های مارکسیست در جهان باید علیه انحصار بمب اتمی به مبارزه برخیزند.

تنها از این طریق است که ما (قربانیان نظام جهانی سرمایه) موفق خواهیم شد که به یکی از اهداف انسانی خود، یعنی پیاده ساختن ایده خلع سلاح کامل و از جمله نابودی کلیه سلاح های هسته ای، میکروبی و شیمیائی و در جهان و منطقه برسیم.

5- من فکر نمی کنم که عدم امضای "پروتکل الحاقی" به منزله یک خود کشی سیاسی و ماجراجویی جنگی خواهد بود. زیرا امضای آن نیز ایران را از حمله احتمالی آمریکا در آینده مصون نخواهد ساخت. وقایع کشور عراق

در یکسال گذشته گواه بر این مدعاست.

در ماههای زمستانی سال 2002، در پرتو تبلیغات وسیع در سراسر جهان، دولت عراق در زیر فشار آمریکا و سازمان ملل متحد حاضر به پذیرش بازرسان بین الملل در خاک عراق گشت. بازرسان به عراق روانه شدند تا از تاسیسات اتمی آن کشور باز دید کرده و وجود "سلاح های کشتار دسته جمعی" را به "اثبات" برسانند. نه تنها آن بازرسان، طبق گزارش رسمی هنز بلیکس، موفق نشدند که بعد از سه ماه کوچکترین مدرک که دال بر وجود "سلاح های کشتار دسته جمعی" در عراق باشد پیدا کنند بلکه معلوم شد که رژیم بوش، بدون گذاشتن کمترین احترامی به اعتبار و موقعیت شکننده سازمان ملل متحد، جاسوسان خویش را در "لباس ناظران بین المللی" به عراق گسیل ساخته بود که تا اطلاعات نظامی را در اختیار وزارت دفاع آمریکا (که در تدارک حمله نظامی به عراق بود) قرار دهند. امروز بعد از شش ماه تسخیر نظامی کشور عراق و کشتار روزانه مردم عراق توسط نیرو های نظامی آمریکا بر همگان روشن گشته است که وجود "سلاح های کشتار جمعی" در عراق که "صلح جهانی" و "امنیت ملی" آمریکا را تهدید میکرد، یک جعل بزرگ تاریخی بوده که بوش و حامیانش- تونی بلیر و اعضای اصلی "محافظه کاران نوین"- ساخته بودند که از آن به عنوان یک "لو لو خرخره" استفاده کرده و با فریب افکار عمومی، بویژه آمریکا، کشور عراق را تسخیر نظامی کنند.

6- من بر آن هستم که نیروهای دموکراتیک، برابر طلب، سوسیالیست و چپ های مارکسیست ایران باید با پی گیری همه اقدامات و ترفندهای

نظام جهانی سرمایه (امپریالیسم) را در منطقه خلیج فارس - بحر خزر (خاورمیانه و آسیای مرکزی) تعقیب و تحقیق کنند و خود را برای "روزهای بارانی" آینده آموزش داده و آماده سازند. تجربه عراق باید برای ما منبع مهمی برای تجربه اندوزی و بدل یابی باشد. نفس وجود جمهوری اسلامی سرمایه، چه "پروتکل الحاقی" را امضاء بکند و یا نکند، تهدیدی بالقوه و تاریخی برای استقلال پایدار ایران، که ضروری ترین زمینه برای گسترش دموکراسی و عدالت اجتماعی - اقتصادی در جامعه ایران است، میباشد. وقت آن رسیده است که تمامی نیروهای مترقی، سوسیالیست و ... حساب خود را از اصلاح طلبان، جمهوری خواهان و ... که فقط خواهان دست به دست شدن قدرت و ماشین دولتی هستند جدا ساخته و به جوانان و نوجوانان ایران ندا دهند که "دموکراسی" خواهی رژیم پویش، همانطور که در شش ماه گذشته در کشور همسایه (عراق) نشان داد، چیزی جز هرج و مرج و آشوب نیست که با تکیه بر آن آمریکا به اهداف دو مرحله ای خود برسد. تاریخ معاصر جهان عموماً و تاریخ ایران خصوصاً کسانی را که میدانند پنجاه سال پیش آمریکا با کودتای 28 مرداد 1332 دموکراسی نوپا و جوان ایران را سرکوب ساخته و ایران را به مدار نظام جهانی سرمایه متصل ساخت و امروز نیز آرزوی مداخله ی "اسکندر قهار آمریکا" را در ایران دارند، هرگز نخواهند بخشید.

یونس پارسا بناب

واشنگتن ، 10 اکتبر 2003

استانداري تهران با مجوز میتینگ مرکز فرهنگي زنان براي افسانه نوروزي موافقت نکرد

در پی اطلاعیه مرکز فرهنگی زنان درباره برگزاری میتینگ برای رهایی افسانه نوروزی در آخرین ساعات اداری روز سه شنبه 22 مهر 1382 از سوی استاندار تهران به مرکز فرهنگی زنان اعلام شد که با درخواست مجوز برگزاری این تجمع موافقت نشده است. از این رو مرکز فرهنگی زنان اعلام می کند که میتینگ روز چهارشنبه 23 مهر 1382 در پارک لاله برگزار نخواهد شد. مرکز فرهنگی زنان امید دارد که بتواند از راه های قانونی دیگری برای آزادی افسانه نوروزی اقدام کند.

مرکز فرهنگی زنان

کارگران ایران، علیه اخراج، برای بیمه بیکاری و حق کار متحد شوید!

5 هزار کارگر کارخانجات کمباین سازی، ماشین سازی، آلومرول، آلومینیم، هیلکو و ایرا لکوی اراک و تراکتو سازی تبریز در آستانه اخراج هستند. در راستای طرح خصوصی سازی که دولت اسلامی در حال اجرای آن است و تاکنون صدها هزار کارگر صنایع کشور، کار خود را از دست داده اند، 5 هزار کارگر دیگر صنایع بزرگ کشور به میلیونها کارگر دیگری می

پیوندند که امکان کار و تأمین زندگی خود را نخواهند داشت. این در حالیست که شرکت آذر آب اراک در راستای همین طرح، 600 کارگر خود را اخراج کرده است. در پی این اقدام کارگران با تجمع و تحصن در جلوی درب کارخانه و استانداری استان مرکزی اعتراض خود را به سیاست ضد کارگری دولت اسلامی اعلام داشته اند. گزارشات دیگر حاکیست که با تعطیل کارخانه تولید خوراک دام و طیور خلخال 150 نفر از کارگران بیکار شده اند. اعتراضات کارگری علیه اخراجها و سیاست بیکار سازی حکومت اسلامی در شرایطی جریان دارد که کارگر بیکار مساوی است با کارگر گرسنه و خانواده گرسنه و بی پناه، کارگر بیکار مساوی است با بی آینده گی فرزندان و نبود هیچ امنیت و حمایت اجتماعی از خانواده کارگران. دقیقاً به همین خاطر است که باید اعتراضات کارگری حول ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرمایان و دولت، بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار و پرداخت فوری دستمزدها و افزایش دستمزدها متمرکز شود. در عین حال باید همه کارگران شاغل و بیکار خود را در تشکلهای مستقل خویش سازمان دهند و با هماهنگی کردن مبارزات خود و به میدان کشیدن خانواده های کارگری، زنان، مردان و جوانان، از حق حیات و حق کار و یک زندگی انسانی برای همه شهروندان کشور حمایت کنند و سیاست ضد انسانی رژیم اسلامی را علیه کارگران و مزد بگیران کشور در هم شکنند.

برخی اطلاعات تاریخی و علمی در مورد انرژی هسته ای

- نخستین بمب هسته ای در ششم آگوست 1945 توسط آمریکا در شهر هیروشیما ژاپن منفجر شد. چند روز پس از این جنایت هولناک، بمب دیگری در شهر ناکازاکی منفجر گردید.

- نخستین دانشمندی که به راز شکستن اتم پی برد و توان ویرانگر آنرا کشف کرد، " اتو هان" استاد فیزیک دانشگاه کوتینگن آلمان بود. در جریان جنگ جهانی دوم، رژیم هیتلر میخواست از دانش علمی او برای دستیابی به سلاح کشتار انبوه، سود جوید، اما این دانشمند انسان گرا از همکاری سر باز زد. بعد از پایان جنگ که مدتی در اسارت نیرو های پیروز متفقین بود، باز برای همکاری تحت فشار قرار گرفت اما اتوهان از یاری به آنها سر پیچیده .

- در سال 1957 " آژانس بین المللی انرژی هسته ای" از سوی کلپ دارنده گان بمب اتمی یعنی پنج کشور: آمریکا، شوروی، انگیس، فرانسه و چین بوجود آمد. در سال 1963 اولین موافقتنامه " منع آزمایشات هسته ای جدید" میان این کشور ها امضاء شد، ولی هیچگاه به مرحله اجرا در نیامد. در 1968 قرار داد دیگری موسوم به "قرار داد منع گسترش تسلیحات هسته ای" به امضا ی این پنج کشور و شمار دیگری از کشور های که این سلاح را نداشتند نظیر: ایران قرار گرفت. در مقابل، کشور های اتمی متعهد شدند که به کشور های دیگر در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای (مثلاً برای تولید برق) کمک کنند.

- سازمان انرژی اتمی ایران در سال 1974 میلادی بوجود آمد که ریاست آنرا تا مقطع انقلاب بهمن 1357 خورشیدی، دکتر اکبر اعتماد بعهد

داشت. بدنبال تأسیس این سازمان، قرار داد احداث نیرو گاه هسته ای بوشهر با آلمانیها منعقد شد که هزینه آن بالغ بر دهها میلیارد دلار و ریال شده است. هدف از احداث این نیروگاه، تولید 23 هزار مگاوات نیروی برق اعلام شد، آنهم در کشوری از نفت و گاز . ذخایر گاز ایران 500 تریلیون یای مکعب است. بعد از انقلاب، طرف مورد قرار داد برای تکمیل نیروگاه بوشهر، روسیه بود که این همکاری تا امروز ادامه داشته است.

- اورانیوم" نود و دومین و آخرین عنصر جدول "مندلیف" است یعنی اورانیوم سنگین ترین عنصری است که در طبیعت یافت می شود. اورانیوم طبیعی از دو هسته (ایزوتوپ) یکی به جرم اتمی 235 و دیگری به جرم اتمی 238 تشکیل می شود. فقط 7 دهم درصد اورانیوم طبیعی از نوع اورانیوم 235 است و بقیه از نوع اورانیوم 238 است. از سویی دیگر فقط اورنیوم 235 در اثر شکستن (fission) انرژی ایجاد می کند. به همین خاطر - ناچیز بودن این نوع ایزوتوپ در اورانیوم طبیعی- مجبورند برای تأمین سوخت راکتورهای اتمی، مصنوعاً نسبت اورانیوم 235 رادر اورانیوم طبیعی افزایش دهند. این عمل را " غنی کردن" (enrichment) می گویند. از آنجا که این عمل از نظر فنی پیچیده و دشوار است، در حال حاضر تنها چند کشور از چنین تکنولوژی برخوردارند، از اینرو هر کشوری برای تولید انرژی هسته ای، باید ابتدا سنگ خام اورانیوم راتهییه کند و سپس آنرا جهت غنی سازی به کلپ کشور های صاحب این تکنولوژی بدهد. آنگاه این اورانیوم غنی شده را جهت سوخت نیروگاه استفاده می کنند، اما چون اورانیوم غنی شده بطور کامل یعنی تا پایان نمی سوزد، لذا باید پس از مدتی این اورانیوم نیم سوخته را از نیروگاه خارج نمود. این اورانیوم نیم سوخته، در این مرحله، دارای عنصر دیگری بنام پلوتونیوم است که ماده عمده برای ساختن جنگ افزار اتمی میباشد. به

همین خاطر کشور های دارنده دستگاه غنی سازی اورانیوم، سفارش دهنده گان راموظف می کنند که اورانیوم نیم سوخته را که به شدت " رادیو اکتیوی" است و باید برای سالها دفن شود به این کشور های غنی کننده، باز پس دهند، این امر در عین حال تضمینی است که از اورانیوم نیم سوخته برای تولید سلاح هسته ای بهره نگیرند.

- تنش اخیر میان آژانس بین المللی انرژی هسته ای " و جمهوری اسلامی ایران، از یک طرف ناشی از عدم موافقت این رژیم برای باز پس فرستادن اورانیوم نیم سوخته به روسیه است و از طرفی دیگر ناشی از تلاش جمهوری اسلامی برای خود کفایی در زمینه فن غنی سازی اورانیوم می باشد که در این صورت نیازی به تأمین شروط قدرت های دارنده تکنولوژی غنی سازی نخواهد داشت. گفته می شود که این رژیم بابه خدمت گرفتن دهها کارشناس ودانشمند خارجی، در

نیروگاه نطنز و برخی تأسیسات محرمانه نظامی، مشغول تلاش هم برای غنی سازی اورانیوم و هم برای استفاده از پلوتونیوم نهفته در اورانیوم نیم سوخته، برای تولید بمب اتمی است.

در حال حاضر علاوه بر آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه و چین، کشورهای نظیر: کره شمالی، اسرائیل، هند و پاکستان نیز دارای بمب اتمی می باشند، ولی در صد استفاده کننده گان از انرژی هسته ای (برای مصارف صلح آمیز) به مراتب بیشتر است.

* بخشی از اطلاعات این نوشته از کتاب " بنیاد مطالعات ایران در واشنگتن - گفتگو با دکتر اعتماد- چاپ 1997" بر گرفته شده است.

ایران یک زندان بزرگ است زندانی سیاسی آزاد باید گردد

جایزه صلح نوبل

تقی روزبه

ادامه از صفحه 2

مبارزه علیه استبداد شده و در همان حال زمینه مثبتی را برای تقویت وزنه فشارهای سیاسی بحای تهدیدهای نظامی و مداخله جویانه فراهم سازد. بدیهی است که مبارزان داخل و خارج از کشور می توانند بر این بستر تلاش های مؤثرتری را برای جلب حمایت افکار عمومی جهانی از مبارزات ضد استبدادی و مبارزه برای دموکراسی و کاتالیزه کردن فشارهای بین المللی در این سمت و سو سازمان بدهند.

در انتهای این نوشته نباید از یاد آوری این نکته غفلت ورزید که تجربه رفتار جمهوری اسلامی نشان دهنده آنست که در مقاطعی که با خطر اعتلاء مبارزات مردم و افزایش امید و شور آنان روبرومی شود، با افزایش سرکوب و زهر چشم گرفتن های احتمالی تلاش می کند که این پیام را به مردم بدهد که میادای پای خود را از گلیم خویش درازتر کنند.

با این همه شیرین عبادی بزودی وارد ایران شده و با استقبال خودجوش و گسترده مردم مواجه خواهد شد. او با بهره گیری از حمایت های گسترده داخلی و بین المللی و بعنوان نقطه پیوند حمایت های جهانی و داخلی و با داشتن قلمرو امن نسبی ناشی از موقعیت جدید خود، می تواند به کانونی برای الهام و اعتلا بخشیدن به مبارزات زنان و مردان علیه تبعیض جنسی و علیه نظام آپارتاید، حتی فراتر از قلمروهای مجاز مورد نظرش، تبدیل شود. بی تردید مردم از فرصت بدست آمده برای "دراز کردن پای خود از گلیم خویش" بهره خواهند گرفت.

12 اکتبر 2003

داد که اندیشه اصلاح و اصلاح طلبی در جمهوری اسلامی مرده است و مردم با شعارهای اثباتی خود در دفاع از دموکراسی، حقوق خلقها، میخی دیگر بر تابوت جمهوری اسلامی زدند.

بی سبب نبود که از جایزه صلح نوبل به خانم عبادی وکیل قربانیان قتل های زنجیره ای، دستگاه ولایت هراسان شده است و نه فقط آدمخواران نشسته در شورای نگهبان و بیت رهبری و دستگاه قضایی و صدا و سیما حکومتی، بلکه رئیس جمهور "اصلاح طلب" نیز کوشیدند که جایزه صلح جهانی را ناچیز جلوه دهند و یا در سخره آن روده درازی کنند.

اما مردمی که جز به سرنگونی جمهوری اسلامی نمی اندیشند، بار دیگر فرصت اعتراض به نظام آپارتاید حاکم را در جشن و پایکوبی دهها هزار نفره بدست آوردند و بار دیگر سرود آزادی را در تهران فریاد کردند.

سرودی که اینک پژواک آن در سراسر ایران شنیده می شود و می رود این نظام آدمخوار و ارتجاعی و ایدئولوژی نژاد پرستانه، ضد زن و بربر منشانه اش را به گورستان تاریخ روانه کند.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر، بر این روحیه شادمانه و حق طلبانه که فریاد آزادی و برابری و عدالت می سراید درود می فرستد.

سازمان کارگران انقلابی ایران-

راه کارگر

چهارشنبه 23 مهر ماه 1382

15 اکتبر 2003

این چنین دهها هزار تهرانی به استقبال شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل سال 2003 رفتند. آنان به گرمی با شعار "عبادی دشمن آپارتاید"، "عبادی قهرمان بانوی صلح ایران"، درود بر عبادی، سلام بر آزادی" به استقبال او رفتند.

استقبالی این چنینی از وکیل شجاع قربانیان قتل های زنجیره ای، وکیل پرونده دانشجویان کوی دانشگاه، "وکیل زیبا کاظمی" و مدافع حقوق زنان و کودکان در ایران اسلامی، که زن موجودی درجه دوم محسوب می شود

آپارتاید جنسی ایدئولوژی حاکم بر حاکمیت اسلامی است، نشان از درجه آگاهی مردم تهران است. مردم تهران که در ابعاد دهها هزار نفری به استقبال عبادی آمده بودند با برافراشتن پلاکاردهایی چون "زندانیان سیاسی آزاد باید گردند"، "ایران یک زندان بزرگ است"، "تنوع اقوام در ایران ثروت ملی است، بااعمال دموکراسی پاسدار این ثروت باشیم"، "الحاق سریع و بلا شرط به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض از حقوق زنان" و "اعدام زندانیان را متوقف کنید"، مطالبات میلیونها نفر از مردمی را اعلام می کردند که از نظام اسلامی به تنگ آمده اند. شعارهایی که دهها هزار تهرانی در مراسم استقبال از برنده جایزه صلح نوبل می دادند و علیه تبعیض نژادی و دستگاه قضایی و حکومتی و برای برابری خلقها، تساوی زبانها، آزادی اندیشه و آزادی زندانیان سیاسی بود، نشان

اعتراض و فریاد خود را علیه سیاستهای حکومت اسلامی و سازمان تامین اجتماعی آن رسا تر کنیم!

نامه های اعتراضی کارگران به نهادهای مختلف حکومتی از جمله سازمان تامین اجتماعی، ادارات کل کار، استانداری اصفهان فرمانداری کاشان و بسیاری دیگر از ارگانهای حکومتی بی جواب گذاشته شد، و یا با وعده و وعید و قول و قرارهای توخالی، کارگران را سر دوانده اند.

بی سبب نیست که اینک فریاد اعتراض علیه سیاست ضد کارگری حکومت اسلامی و سازمان تامین اجتماعی آن در سراسر کشور به گوش می رسد. خبرها حاکیست که پرسنل فنی و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران نیز می خواهند یک روز دست از کار کشیده و در مقابل سازمان تامین اجتماعی تحصن کنند تا مراتب اعتراض خود را به نحوه اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد اعلام کنند.

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر ضمن پشتیبانی از خواست کارگران ایران و اعتراضات برحق آنان، کارگران پیشرو را دعوت می کند که برای فائق شدن بر روحیه درماندگی و یأس بر کارگران، با سازمان دادن یک جنبش اعتراضی گسترده در اتحاد با دیگر مزد بگیران کشور، علیه سیاست های ضد کارگری رژیم اسلامی، علیه سیاست خصوصی سازی، برای تامین اجتماعی، برای بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران، برای بیمه، بازنشستگی کامل و افزایش دستمزدها متناسب با تورم و هزینه های یک خانواده اقدامات خود را در پیوند با دیگر پیشروان جنبش های اجتماعی تشدید کنند. بی شک شرایط اجتماعی داخلی و بین المللی کنونی، شرایط را پیش از هر زمان دیگری برای جنبش آزادی - برابری فراهم ساخته است و پیشروان کارگری می بایست لحظه کنونی را برای رسا کردن فریاد عدا لت خواهانه و حق طلبانه کارگران و مزد بگیران ایران در یابند.

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر
16 اکتبر 2003

در حالیکه کارگران تهران در اعتراض به نحوه عملکرد سازمان تامین اجتماعی در خصوص اجرای قانون بازنشستگی بیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور، در حال تدارک تجمع اعتراضی در مقابل این سازمان هستند. امروز یکی از کارگران نساجی کاشان در اعتراض به سازمان تامین اجتماعی، اقدام به خود سوزی کرد و با ریختن بنزین بر روی خود، قصد خود سوزی داشت که با دخالت به موقع کارگران و مردم نجات یافت.

خود سوزی کارگر کاشانی در شرایطی اتفاق افتاده است که تامین اجتماعی کاشان 80 نفر از کارگران نساجی کاشان را که قبلاً بازنشستگی پیش از موعد آنان را تأیید کرده بود به علت مشکلات تنظیم لیست بیمه، دستور به برگشت به کار داده است. این در حالیست که این 80 نفر از کارگران کارخانه های ریسندگی و بافندگی کاشان و کارخانه نساجی کاشان، سالهاست در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسا کار کرده اند و کار آنها به مثابه مشاغل سخت و زیان آور برسمیت شناخته شده است. اینک با کار شکنی سازمان تامین اجتماعی و بورکراسی پیچیده و غیر انسانی که اساساً به نفع کار فرمایان است و به بهانه نواقص لیست بیمه تنظیمی سالهای گذشته، این سازمان، مانع از بازنشستگی کارگران شده و اعلام کرده است که کارگران باید دو باره به سرکار خود برگردند. این درحالیست که کارفرما از پذیرش کارگران خود داری می کند و کارگران بین سازمان تامین اجتماعی و کارخانه سرگردان هستند.

گزارشات حاکیست که کارخانه نساجی و کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان که در سال 1378 با صدور 5600 کارگر فعالیت میکردند، طی سالهای اخیر 1500 کارگر خود را بازنشسته و 500 کارگر دیگر خود را اخراج کرده است. کارگران این دو کارخانه 8 ماه است که حقوق و دستمزدهایشان پرداخت نشده و 50 درصد عیدی آنها در دست کارفرماست و کارگران بن های سال 80 و 81 را دریافت نکرده اند.

اعتراضات کارگری علیه عدم پرداخت دستمزدها و برای افزایش حقوق و دستمزدها

دستمزدها و سیاست تحمیل بیگاری بر کارگران ایران در شرایطی به شکل گسترده ای به اجرا در آمده و می آید که دستمزدهای ناچیز و بخور و نمیر به میلیونها کارگر و مزد بگیر ایرانی، میلیونها خانواده را در فقر و تنگدستی وحشتناکی قرار داده است. پائین نگه داشتن دستمزدها، بگونه ای است که حتی صدای خانه کارگر را هم در آورده است و آنها از تحریم و بایکوت مذاکرات مربوط به تعیین دستمزدها برای سال آینده با دولت و کارفرما سخن می گویند.

بی تردید با گسترش مبارزات کارگران و مزد بگیران ایران و تحکیم پایه های اتحاد مبارزاتی جنبش های کارگران، معلمان، پرستاران و بیکاران و به میدان آمدن کارگران صنایع استراتژیک کشور مثل صنعت نفت و برق، آب است که می توان امیدوار بود که جنبش کارگران و مزدبگیران ایران برای در هم شکستن سیاست خصوصی سازی، بیکار سازی، اخراج و پائین نگه داشتن دستمزدها و عدم پرداخت حقوق کارگران به میدان آمده است و دیر نخواهد بود که این رژیم ضد کارگری را با سیاستهای ضد مردمی اش روانه دیار نیستی کند و پرچم زندگی و حق کار و رفاه و زندگی شرافتمندانه را بر ایران برافرازد.

بار دیگر کارگران ایران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زده اند. بنا به گزارشات انتشار یافته 200 نفر از کارگران ایران برک روز گذشته در مقابل اداره کل کار استان گیلان تجمع کرده و خواستار پرداخت فوری دستمزدهای خود شدند. کارگران پس از تجمع در مقابل اداره کار استان و برای ادامه اعتراض به سوی فرمانداری رفته و به تجمع اعتراضی خود در این مکان ادامه دادند.

یکی از مسئولان فرمانداری قول داده است که ظرف یک هفته به مطالبات کارگران رسیدگی خواهد شد. بیش از این روز شنبه 12 مهر ماه 500 نفر از کارگران ایران برک در اعتراض به عدم دریافت 4 ماه حقوق و دستمزدهایشان و در اعتراض به زورگویی سنوال و صاحبان شرکت دست به اعتصاب زده بودند.

در همین حال گزارشات دیگر حاکیست که بیش از 200 نفر از کارگران شرکت نیروگاه برق تهران دست به اعتصاب زده اند و در مقابل این شرکت روز پنجشنبه دست به تجمع و تحصن زده اند. کارگران خواهان افزایش دستمزدها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. تجمع اعتراضی کارگران پس از اعلام یک اولتیماتوم سه هفته ای به کارفرما پایان یافت. کارگران اعلام کرده اند که اگر به خواستهای آنان تا سه هفته دیگر رسیدگی نشود بار دست به اعتصاب خواهند زد. عدم پرداخت به موقع

راديو برابري

راديو برابري هر شب ساعت هشت و نيم بوقت ايران (شش عصر بوقت اروپاي غربي) بر روي ماهواره با مشخصات زير برنامه پخش مي کند:

Satellite: Hotbird 613East
Freq:12597 GHz
Transpoder: 94
Symbol Rate :27500
Fec:3/4
CHannel :GBTS Feed ½
Right side of dual audio channel

شما ميتوانيد برنامه هاي هر روز را بصورت ضبط شده از طريق شبکه جهاني اينترنت ، در آدرس زير نيز گوش دهيد:

www.radiobarabari.net

با ما ارتباط بگيريد

سر دبیر تک برگي arash@funtrivia.com

روابط عمومي سازمان public@rahekargar.net

تلفن عمومي سازمان 0049 -40 -6777819

شماره فاكس سازمان 00 33-1-43455804

آدرس سايت راه كارگر..... www.rahekargar.net

آدرس سايت اتحاد چپ كارگري... www.etchadchap.com

آدرس سايت راديو برابري..... www.radiobarabari.net

آدرس صندوق پستی سازمان. BP 195 75563 Paris cedex 12 France